

تأثیر خانواده قرآنی بر سلامت معنوی جامعه در عصر جهانی شدن

فاطمه طرزی فرد^۱

چکیده

اولین سنگبنای جامعه سالم و پویا در تمام ابعاد زندگی از جمله ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، خانواده قرآنی است که بر مبنای شریعت و آداب و فرهنگ اسلامی شکل می‌گیرد. سلامت معنوی در جامعه تنها با پرداختن به تعلیم و تربیت صحیح خانواده، که مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد در جامعه اسلامی است، محقق می‌شود. قرآن کریم و روایات اسلامی، از لحاظ روش‌های تربیتی، بهترین و کامل‌ترین الگوها را برای تربیت خانواده‌های معنوی ارائه می‌دهند. آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بر اساس اراده خداوند متعال و بر مبنای آیات الهی شکل گرفته و لذا شیوه تربیتی ایشان بهترین روش در تربیت فرزندان به شمار می‌آید. از این رو، بیشترین حرکتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از خانواده آغاز شده و در جامعه نمایان می‌شود. در این پژوهش، از روش تحلیلی-توصیفی برای گردآوری مطالب استفاده شده است و سعی شده تا ویژگی‌های خانواده قرآنی و تأثیر آن‌ها بر سلامت معنوی و تأثیر معنوی بودن آن‌ها در عصر جهانی شدن مورد بررسی قرار گیرد. مباحثی چون عوامل پیدایش فرهنگ و تمدن اسلامی، انسان و ازدواج، والاترین هدف ازدواج، اخلاق اقتصادی، کسب ثروت از راه ممدوح، آزادی معنوی، آینده مردم و هدف زندگی آنان، و اخلاق حاکمان و مردم در ایجاد وحدت و تواضع و مسئولیت‌پذیری بیان می‌شود. نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که اصالت خانواده در تربیت دینی فرزندان و رشد و تعالی جامعه نقش بسزایی دارد. عدم توجه به تربیت صحیح فرزندان از سوی والدین، عواقب زیانبار و مخربی را نه تنها در خانواده بلکه در محیط جامعه به وجود می‌آورد و از همه مهم‌تر، موجب نارضایتی خداوند متعال خواهد شد.

کلیدواژه: خانواده قرآنی، سلامت معنوی، تعلیم و تربیت، عصر جهانی شدن، شریعت اسلامی.

[M1] Commented: با سلام و تشکر از زحمات محقق محترم، لطفاً نکات زیر را در مقاله اعمال فرمایید.

۱- تمام آدرس‌های درون متن و فهرست منابع باید بر اساس شیوه نامه نشریه تنظیم شود.

۲- حتماً متن‌های عربی اعراب گذاری شود.

۳- لازم است علاوه بر استناد به منابع متعدد قلم نویسنده نیز در مقاله جهت ارتباط بین مطالب با عنوان مقاله مشهود باشد.

۴- برخی عناوین تنها دارای یک پاراگراف کوتاه هستند لازم است مطالب آنها بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

۵- قسمت‌هایی که در فهرست منابع مشخص شده حتماً کامل شود.

۶- در متن قسمت‌هایی با عنوان پژوهش ذکر شده منظور ارتباط آن با عنوان باید مشخص شود.

۷- تمام تغییرات با قلم قرمز و به صورت هایلایت انجام شود.

^۱ طلبه سطح ۲، مرکز تخصصی حوزه علمیه خواهران حضرت فاطمه زهرا (س) ایلام،
rwhrwhy75@gmail.com

مقدمه

سلامت معنوی از دیدگاه اسلام به معنای ارتباط و اتصال معنوی انسان با خالق است و این ارتباط، زمینه‌ساز آرامش قلبی می‌شود که انسان را از اضطراب‌ها و دل‌نگرانی‌ها رها کرده و به امنیت روانی می‌رساند. در قرآن و روایات ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، این مفهوم با عباراتی چون «سکینه» و «اطمینان قلبی» بیان گردیده است. اهمیت و ضرورت مطالعه این موضوع نشان می‌دهد که بدون سلامت معنوی، دیگر ابعاد زیستی، شناختی و اجتماعی نمی‌توانند عملکرد خوبی داشته باشند.

تعریف سلامت معنوی طبق سازمان بهداشت جهانی به عنوان یک حالت دینامیک از تأمین رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی، نه تنها به معنای نبود بیماری و نقص عضو، بلکه شامل جنبه‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز است. در قرن اخیر، مجامع علمی به بعد معنوی سلامت توجه بیشتری کرده‌اند. اگرچه علوم پزشکی پیش از این به این بعد توجه داشته‌اند، اما در پی رنسانس علمی در اروپا و رشد سریع علوم در بخش‌های مادی، جدایی علم از دین و معنویت در این بستر تاریخی مغفول مانده بود. در سال‌های اخیر، نهضت استخراج و طبقه‌بندی علمی جنبه‌های معنوی سلامت با توجه به بستر مهبی آن در متون اسلامی و دیگر منابع آغاز شده است که منجر به انتشار اولین نسخه دانشنامه سلامت معنوی و تأثیر آن بر اجتماع در سال ۱۳۹۷ شد.

اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. بنابراین، پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین جامعه و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی خود، ضروری است. غفلت از این امر موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت خواهد شد. بیشتر حرکتهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از خانواده آغاز شده و در جامعه موج‌آفرینی می‌کنند.

با مراجعه به منابع و کتابخانه‌های عمومی، وبسایت‌ها و دیتابیس‌هایی چون SID، هیچ‌گونه مقاله یا پایان‌نامه‌ای تحت عنوان کامل این موضوع یافت نشد. اما برخی مقالات و کتاب‌های مشابه وجود دارند که به ذکر چند نمونه از آنها اکتفا می‌شود:

-حسینی (۱۳۸۶) در کتاب "روابط سالم در خانواده" به مهم‌ترین مسائل مربوط به راهکارهای برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده پرداخته است.

-انصاریان (۱۳۷۶) در کتاب "نظام خانواده در اسلام" به آیین ازدواج در نظام هستی و تقوای الهی و اهداف والای ازدواج پرداخته است.

-شفیعی مازندرانی (۱۳۸۸) در مجموعه "اقتصاد در خانواده" به بررسی مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از تکاثر و احتکار و راه‌های مبارزه با ثروت‌اندوزی پرداخته است.

-سیدباقری (۱۳۹۹) در کتاب "آزادی سیاسی از منظر قرآن کریم" به چیستی آزادی سیاسی و ضوابط آن پرداخته است. با توجه به اینکه دین مبین اسلام از دیرباز به معنوی بودن خانواده در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر سلامت معنوی جامعه تأکید داشته است، وجه تمایز این مقاله با کتب و پژوهش‌های موجود در این است که در نوشتار حاضر به بررسی مهم‌ترین راه‌های آثار خانواده قرآنی بر سلامت معنوی جامعه پرداخته می‌شود. برای رسیدن به سلامت معنوی و حفظ آن در جامعه، که اساس آن خانواده قرآنی است، باید به دستورات مقدس دین اسلام و قرآن عمل شود تا ثمره آن تقرب به درگاه خداوند متعال باشد. اما در منابع استفاده شده در این مقاله، نتیجه‌گیری کلی به‌طور کامل انجام نگرفته است.

از این رو از جمله مهم‌ترین پرسش‌هایی که پژوهش حاضر به دنبال آن است عبارتند از:

- تأثیر فرهنگی خانواده قرآنی بر سلامت معنوی جامعه در عصر معنوی شدن.
- تأثیر اقتصادی خانواده قرآنی بر سلامت معنوی جامعه در عصر معنوی شدن.
- تأثیر سیاسی خانواده قرآنی بر سلامت معنوی جامعه در عصر معنوی شدن.

۱. مفهوم شناسی:

۱.۱. فرهنگ:

در ایران، واژه «فرهنگ» در زبان فارسی نیز دستخوش دگرگونی‌های فراوانی بوده است. با این حال، برخلاف غرب، این اصطلاح در زبان فارسی بیشتر با معنویات ارتباط دارد تا مادیات. بنابراین، فرهنگ به معنای بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن است و همچنین به معنای ادب نیز به کار می‌رود. تعریف اصطلاحی فرهنگ در ایران: فرهنگ عبارت است از زندگی عقلانی و وجه معنوی تمدن که به آن فرهنگ گفته می‌شود. پدیده‌های معنوی، پدیده‌هایی هستند که نیازهای غیرحیاتی انسان را برآورده می‌کنند. به عنوان مثال،

لباس پوشیدن یک نیاز مادی است، اما نوع و رنگ لباس جزو پدیده‌های معنوی به شمار می‌آید. فرهنگ، هویت‌دهنده انسان در حوزه زندگی اجتماعی است و به عنوان فرآورده‌ای عالی از ذهن و فرایندی پیچیده و پیشرفته از تفکر آدمی تحت تأثیر علل و عوامل درونی و بیرونی، در تمامی کارکردها و مظاهر مادی و معنوی حیات او جلوه‌گر می‌شود. فرهنگ کلیات تافته و به هم پیوسته‌ای از باورها، فضایل، ارزشها، آرمانها، دانشها، هنرها، آداب، فنون و عاداتهای جامعه را شامل می‌شود و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی هر ملتی است (کاشفی، ۱۳۵۷، صص ۲۷-۲۹).

۲.۱. تعریف اقتصاد:

اقتصاد در زبان به معنای: ۱- میانه‌روی در هر فعالیت ۲- رعایت اعتدال در درآمد و هزینه ۳- میانه‌روی در مخارج ۴- به طور مجازی صرفه‌جویی است. از نظر علمی، اقتصاد یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی محسوب می‌شود که به بررسی کیفیت فعالیت‌های مرتبط با درآمد و هزینه و همچنین چگونگی روابط مالی میان افراد جامعه می‌پردازد. این علم اصول و قوانینی را که بر این امور حاکم است، بررسی کرده و به روش‌هایی که با توجه به شرایط زمان و مکان اتخاذ می‌شود می‌پردازد. هدف از این بررسی، فراهم آوردن شرایطی است که موجب سعادت، پیشرفت جامعه و رفاه و آسایش افراد آن گردد (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۹۱).

۳.۱. سلامت معنوی:

سلامت به معنای بی‌گزند بودن، بی‌عیب شدن، رهایی یافتن، امنیت و خلاص شدن از بیماری است (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴۶). از سوی دیگر، معنوی به دو معنا است: ۱- مربوط به مفهوم، باطنی و حقیقی ۲- فردی که در عالم معنا سیر می‌کند، عارف (معین، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۸۹۳). بنابراین، سلامت معنوی به ترکیبی از دو واژه سلامت و معنوی اشاره دارد، به معنای سالم و بی‌عیب بودن از جنبه باطنی که همان حقیقت وجود انسان است و شامل همه صفات عالی انسانی می‌شود. در این حالت، انسان به معنوی بودن دست می‌یابد و به اوج روحانیت و قله رفیع انسانیت و بندگی خداوند نائل می‌گردد.

۲. تأثیر فرهنگی خانواده قرآنی بر سلامت معنوی جامعه در عصر جهانی شدن

۱.۲. عوامل پیدایش فرهنگ

با یک نگاه کلی می‌توان عوامل پیدایش و اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی را در دو عنوان کلی داخلی و خارجی دسته‌بندی کرد. مقصود از عوامل داخلی، عواملی است که از درون خود اسلام و در واقع از دو منبع اصیل آن، قرآن و سنت، جوشیده و مراد از عوامل خارجی، عواملی است که از بیرون با رنگ و هویتی اسلامی در خدمت اسلام قرار گرفته و سبب گسترش آن شده است (کاشفی، ۱۳۹۴، ص ۶۵).

بهترین محیط برای کودک، محیطی است که آرامش خاطر را فراهم کند. در محیط‌هایی که اضطراب و نگرانی حاکم است، ثبات شخصیت کودک از بین می‌رود و او از ثبات درونی برخوردار نیست. در چنین شرایطی، کودک موجودی متزلزل می‌شود و هر روز چیزی را طلب می‌کند و رفتار خاصی از خود نشان می‌دهد. به همین دلیل، او به سرعت تحت تأثیر رفتار و گفتار دیگران قرار می‌گیرد و در هر محیطی به رنگ آن محیط در می‌آید.

تربیت اسلامی به فرد کمک می‌کند تا به ثبات شخصیت دست یابد و اصالت و هویت واحدی به او می‌دهد. این تربیت مشخص می‌کند که شرط مهم برای رسیدن به ثبات شخصیت، داشتن هدفی معین و والاست که می‌تواند صفات، استعدادها و اعمال فرد را هماهنگ کرده و او را به سعادت برساند. محیط سالم، محیطی است که به افراد خود هدفی شایسته می‌دهد و آنها را از آگاهی و شناخت سالم برخوردار می‌سازد. با ایجاد وحدت درونی، افراد به شخصیت عالی و شایسته‌ای دست یافته و به خوشبختی و سعادت معنوی نائل می‌شوند.

بنابراین، هدف تعلیم و تربیت در هر محیطی باید رساندن فرد به کمال عالی وجودی باشد. داشتن هدفی شایسته می‌تواند فرد متربی را از فرومایگی و حقارت نفس به اوج عزت و بزرگواری برساند (امین‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۵۵).

۲.۲. انسان و ازدواج

ازدواج و ترکیب و تولید در عرصه حیات جماد، نبات و حیوان براساس قوانین تکوین و جهت‌گیری صحیح غرایز صورت می‌گیرد. اما انجام این مسئله حیاتی و برنامه عالی طبیعی باید بر مبنای مقررات و نظامات شرعیه و قوانین الهیه که در قرآن مجید و گفته‌های ملکوتی انبیا و امامان آمده، جامعه عمل بپوشاند. قرآن مجید در آیه ۵۴

می‌فرماید: «و هوالذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا و کان ربک قدیرا؛ او خداوندی است که بشر را از آب آفرید و میان آنان خویشی و پیوند ازدواج قرار داد و خدایت بر هر چیزی قدرت دارد».

بنابراین انتخاب همسر در فرهنگ پاک اسلام به خودی خود مستحب و کاری بسیار پسندیده و برنامه‌ای نیکوست، اما در صورتی که مجرد ماندن و عزب زندگی کردن، دامن پاک زندگی را به گناه و معصیت و فحشا و منکرات آلوده نکند. در غیر این صورت، ازدواج و تشکیل زندگی ضروری و مسئله‌ای واجب و تکلیفی قطعی است (انصاریان، ۱۳۷۶، ص ۳۵).

۳.۲. والاترین هدف در ازدواج

هدف انسان از ازدواج باید هدفی معنوی، مقدس و پاک باشد. ازدواج باید برای اطاعت از دستور حق و پیروی از روش انبیاء و برای تأمین سعادت همسر و تربیت الهی فرزندان صورت گیرد. زن و مرد در مسئله ازدواج باید خود را آماده ورود به یک عبادت بزرگ کنند. زن و مرد باید در ازدواج، خشنودی حق را منظور بدانند و بدانند که هر دوی آنان از طریق صلب و رحم، امانتدار حضرت حق هستند. باید بدانند که فرزند آنان که امانت حق است، در مدتی کوتاه مهمان صلب پدر و بین شش تا نه ماه مهمان رحم مادر است و در این مدت، با گیرندگی دقیقی که حضرت حق به وی عنایت فرموده، از تمام وجود پدر و مادر، حالات و مشخصات را بدون اختیار به خود منتقل می‌نماید. مردان و زنان باید ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (سلام‌الله علیهما) را اسوه و سرمشق خود قرار دهند؛ آن ازدواج والایی که برای خدا صورت گرفت و اهداف الهی و عرشی در آن منظور شد و ثمره آن فرزندی پاک الهی و ملکوتی بود (انصاریان، همان، صص ۷۱-۷۲).

۴.۲. تأثیر نعمت‌های معنوی در انسان

برای پاک بودن، پاک ماندن و پاک زیستن، از جانب حق نعمت‌هایی به انسان داده شده که جز حضرت حق، احدی ارزش آن نعمت‌ها را نمی‌داند. قسمتی از این نعمت‌ها عبارتند از عقل، قرآن، نبوت، امامت، عالم ربانی و مجموعه آثار که از این منابع به صورت یک سلسله مسائل اعتقادی، عملی و اخلاقی ظهور دارد. لازم است به‌طور اختصار به مفهوم یکی دو نمونه اشاره شود:

۱. **عقل:** مراد از عقل نیروی ادراک است، ادراک حق و باطل در امور نظری و ادراک خیر و شر و سود و زیان در امور عملی. این نعمت بی‌نظیر مجهز به حواس ظاهر است که به

وسیله آن‌ها ظواهر اشیاء را می‌فهمد و مجهز به حواس باطن است که توسط آن‌ها به امور معنوی و باطنی همچون اراده، دوستی، دشمنی، امید، ترس و امثال این‌ها آگاه می‌شود. هر یک را به مقتضای حال و زمان به کار می‌گیرد. فعالیت نورانی عقل تا زمانی است که در مملکت جان قدرت برتر باشد و سایر قوا و نیروهای انسان رعیت او باشند. اما اگر قدرتی در کشور جان مافوق عقل قرار بگیرد، عقل دچار ضعف و از کار افتادگی می‌شود و انسان از جاده اعتدال منحرف و دچار افراط و تفریط می‌شود.

۲. قرآن: قرآن کتابی الهی، نور هدایت، شفا دهنده سینه از دردهای اخلاقی، راهنما به سوی زندگی برتر، ذکر حق، مفسر حقایق، نظم‌دهنده امور، منبع پند و عبرت، مولد آگاهی و بصیرت، علاج کور دلی، صراط مستقیم و حجت حضرت حق در دنیا و آخرت است. مرد و زن در برابر این نعمت بی‌نظیر الهی مسئول و مکلفند. تکلیف آنان یاد گرفتن قرآن و عمل به آیات آن در تمام شئون زندگی است. بی‌توجهی به کتاب خدا، بس بزرگ و معصیتی بس بزرگ است. قرآن نامه حق به سوی بندگان است که پاسخ این نامه به وسیله بندگان واجب است و پاسخ دادن آن از جهت قلب، آراسته شدن به عقاید حقه، و از جهت نفس، متصف شدن به حقایق اخلاقی و از جهت جسم، قرار گرفتن در گردونه عمل صالح است (انصاریان، ۱۳۷۶، صص ۲۳۵-۲۴۶).

۲.۵. فرهنگ عفت و پاکدامنی در اسلام

پاکدامنی از جمله عناصر فرهنگی است که نهادینه شدن آن باعث استحکام بیش از پیش بنیان خانواده‌ها، پاک شدن محل کسب و کار از آلودگی‌ها، سالم شدن تفریح‌ها و افزایش قدرت مؤمنان برای اجتناب و تقوای از حرام در جامعه می‌گردد. خدای حکیم در طول بیست و سه سال نزول تدریجی قرآن، جمعیتی مؤمن پدیدآورد و پاکدامنی آن‌ها هنجار اجتماعی بود. خداوند حکیم به مناسبت اتهام اخلاقی که به برخی از مؤمنان وارد شده بود، در مقام دفاع از پاکدامنی جمعی از مؤمنان چنین فرمود: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ ۖ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک از آن زنان ناپاک؛ و زنان پاک از آن زنان پاک! اینان از آنچه که (ناپاکان) به آنان نسبت می‌دهند مبرا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است.» (نور/ آیه ۲۶)؛

یعنی اصولاً نمی‌توان فرد و اجتماع مؤمن را به آلودگی‌های جنسی متهم کرد. این مدال افتخار قرآن کریم برای اجتماع مؤمن و معاصر پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) محصول اقداماتی بود که در طول نزدیک به بیست و سه سال تلاش فرهنگی به بار نشست (بهجت‌پور، ۱۳۹۸، ص ۱۳).

۵.۲.۱. تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی و تأدیب فرزندان باید بر اساس آداب و اصول ارزشمند اخلاقی و روانی در زندگی اجتماعی باشد تا آنان از همان دوره کودکی بتوانند در جامعه حضور یابند و از حسن رفتار، ادب، تعادل روحی روانی و خردورزی در برخورد با دیگران برخوردار شوند. این امر باید به نحوی صورت گیرد که آنچه به عنوان اصول و قواعد زندگی اجتماعی شناخته می‌شود، در درون کودک نهادینه شود تا جایی که بتواند نماد کاملی از یک انسان واقعی باشد.

اسلام به عنوان دینی جامعه‌نگر به تربیت اجتماعی انسان عنایت خاصی دارد، چنان‌که کوشش برای بهره‌مندی از تقوا، کرامت، قناعت، عفو، بخشش، احترام به شخصیت دیگران، تواضع، اعتماد به نفس و تعادل روحی و اخلاقی، رعایت حقوق دیگران و... بخشی از دستورات آن است.

بنابراین خانواده، اولین نهادی است که اصول تربیت اجتماعی در آن تجربه می‌شود و آموزش رفتار شایسته و پسندیده به کودک از آن‌جا آغاز می‌شود. خصوصیات اجتماعی، مانند سایر روحیات انسانی، به‌طور ناگهانی در کودکان ظهور و بروز نمی‌کنند، بلکه به تدریج و بر اساس پرورش والدین در رفتار و کردار آنان به وجود می‌آیند (دانشمند، ۱۴۰۰، ص ۸۱ و ۸۲).

۵.۲. وظایف پیشگیرانه والدین

۵.۲.۱. تبیین و تکریم مقام زن

در تجزیه و تحلیل دلایل بدحجابی و خودآرایی زنان می‌یابیم که خودکم‌بینی، عقده حقارت و عدم درک موقعیت و مقام واقعی جنس مؤنث موجب شده تا این عده از زنان برای خودنمایی و مطرح کردن خویش در جامعه و به دست آوردن رده اجتماعی مدنظرشان، دست به چنین اعمالی بزنند. از این رو، والدین محترم برای جلوگیری از رخنه این افکار نابجا و ناآگاهانه باید به اقدامات فکری و فرهنگی متوسل شوند. به نظر می‌رسد در ایجاد این تفکر و باور ناصحیح و مخرب، علاوه بر مردان، زنان نیز مقصر هستند. نیاز به الگوبرداری از فرهنگ خانوادگی پیشوایان معصوم: باید در صدر برنامه‌های والدین قرار گیرد. خداوند متعال

نام زیبای حضرت مریم (سلام الله علیها) را در صدر راهی از سوره های کتاب مبین خود قرار داده است. بنابراین، والدین و تمام اعضای خانواده باید در همه شئون زندگی خانوادگی، به ویژه در رفتار با زنان و دختران، از بزرگان و پیشوایان دینی پیروی کنند تا خانواده ای رشد یافته و بالنده و زنانی و دخترانی با کرامت و پایبند به عفاف و حجاب و به دور از هرگونه انحراف و آسیب داشته باشند (نجوی، ۱۳۸۸، صص ۷۳ و ۷۴).

۲.۵. بی سواد یا کم سواد والدین

تحصیلات پایین یا بی سواد نقش مهمی در فرهنگ عمومی جامعه و همچنین در حریم خانواده و تربیت فرزندان دارد. بی سواد و کم سواد عامل بسیاری از مسائل و مشکلات نارسایی های اجتماعی و انحرافات است. روشن است که پدر و مادر با سواد بسیار بهتر و با دید بازتری نسبت به دنیای پیرامون، مسائل و مشکلات خانواده را حل می کنند. والدین تحصیل کرده با روش های علمی و منطقی می توانند فرزندان را کنترل نمایند. آنان غالباً به دلیل آگاهی و شناخت مسائل و نیازهای زندگی، شرایط مادی، معنوی و عاطفی مناسبی را برای فرزندان ایجاد می کنند. اما بی سواد والدین منجر به مسائلی از قبیل: روش های غیرمنطقی در تربیت فرزندان، پی بردن به نیازهای روانی فرزندان، نپذیرفتن تغییرات در نگرش های آنان و تأکید بر روش ها و اعتقادات سنتی خود می شود که تمامی این مسائل موجب می گردند که فرد نوعی احساس تنهایی و کمبود نماید و در نتیجه در پی یافتن همدرد و همدل، به هر شخصی و هر مواد روی آورد. بیشتر تحقیقات نشان می دهند که والدین معتادان، اکثراً بی سواد یا کم سوادند (دانشمند، ۱۴۰۰، ص ۵۹).

۲.۳. حمایت از خانواده

حمایت از خانواده از فروپاشی و از هم گسستگی یک ضرورت اجتنابناپذیر انسانی است و نگهداری از آن به عنوان معیاری برای پیشرفت، تمدن و تعالی امت، نه تنها در بعد تمدن مادی، بلکه در بعد پیشرفت و تعالی فکری و اجتماعی، به شمار می آید. حمایت از خانواده، از آلودگی به میکروب هرج و مرج و انحطاط اخلاقی، یک وظیفه اجتماعی است و برعهده دولت اسلامی است. دولت قبل از آن مسئول است در حمایت از شهروندان خود در برابر آفات نابودی اخلاق؛ بنابراین، بر دولت واجب است که از طریق صدا و سیما و سایر ارتباطات جمعی، از اشاعه این فرهنگ جلوگیری کرده

و زیان‌های مترتب بر انحطاط اخلاقی و عواقب وخیمی که در پی خواهد داشت، از جمله نابودی زندگی و آینده افراد، و سرانجام عواقب دردناکی برای جامعه خواهد داشت را برای مردم گوشزد نماید (قریشی، ۱۳۷۷، ص ۳۲).

۲.۴. عشق ورزیدن به اهل بیت(ع):

یکی از راه‌های پیوند دادن فرزندان به اهل بیت، بیمه کردن دل و اندیشه آنهاست؛ به عنوان الگوهایی دوست‌داشتنی، قابل تبعیت و شایسته اسوه‌گیری. این مسئولیت بر عهده تمامی والدین و مربیان است. در پرورش نسلی که عاشق محمد (ص) و اهل بیت (ع) باشد، استفاده از عنصر عشق و محبت امری ضروری به شمار می‌رود.

تعظیم شعائر: تربیت ولایی فرزندان در سایه برخی سنن مذهبی و آداب و رسوم ریشه‌دار که از آموزه‌های اولیای دین نشأت می‌گیرد، تضمینی بر سلامت روحی و کمال تربیتی آنها است. ماه محرم یکی از بهترین فرصت‌ها برای تعمیق باورهای مذهبی و گرایش‌های دینی است و می‌تواند پیوند فرزندان ما را با عترت ریشه‌دار و استوارتر سازد. بنابراین، تعظیم شعائر که قرآن کریم نیز به آن سفارش کرده است، در هر زمان و موقعیتی باید به گونه‌ای انجام شود. در ایام محرم، با برگزاری پرشور محافل حسینی و سنن عاشورایی، باید دل‌ها را از اهل بیت بیگانه نساخت و از ایجاد گسست میان نسل نو و حماسه عاشورا و مکتب کربلا جلوگیری کرد (محدثی، ۱۳۹۱، صص ۳۳ و ۳۶).

۳. تأثیر اقتصادی خانواده قرآنی بر سلامت معنوی جامعه

۳.۱. فرهنگ اقتصاد انبیا

شکی نیست که پیامبران برای هدایت مردم به راه راست و سعادت، و نجات آنها از خیر، صلاح و فلاح مبعوث شده‌اند و تمامی رهنمودهایی که در عرصه‌های مختلف از جانب خداوند متعال ابلاغ کرده‌اند، در همین راستا است. در بررسی آیات به دو هدف اساسی از ارسال رسل دست می‌یابیم:

۱. شناختن خداوند و نزدیک شدن به او؛

۲. برقراری عدل و قسط در جامعه.

فرهنگ‌سازی پیامبران در ابعاد مختلف، از جمله اقتصاد، مقدمه‌ای در راستای تحقق این اهداف عالی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ ای پیامبر! به راستی ما تو را شاهد [بر امت] و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم» (احزاب/آیات ۴۵ و ۴۶).

در نظام اقتصادی مبتنی بر فرهنگ انبیاء، رفتارهای اقتصادی مردم به گونه‌ای جهت داده می‌شود که رسیدن به قسط و عدل هدف اصلی باشد و در نهایت، جامعه‌ای تربیت شده و متکامل ایجاد شود. بر همین اساس، نحوه مصرف یک فرد مؤمن متفاوت است. همین‌طور این تفاوت در تولید، خرید، فروش، قرض و سایر رفتارهای اقتصادی نیز وجود دارد. اصطلاحات در سطح خرد، زمینه را برای هدف‌های اقتصادی نظام در سطح کلان فراهم می‌سازد و همچنین جامعه‌ای متخلق به آداب الهی و دینی، و قانون‌گراتر و سریع‌تر می‌تواند توسعه پیدا کند و عدالت در آن محقق شود.

مجموع این باورها و اعتقادات، پایه‌های فکری پیامبران است که در فعالیت اقتصادی مؤثر هستند و فرهنگ اقتصادی انبیا نامیده می‌شود. در صورت عمل به این فرامین و فرهنگ‌سازی، شاهد شکوفایی اقتصادی و ارزش‌های دینی در جوامع خواهیم بود.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «محتاج هر که شوی، اسیر او خواهی بود. بی‌نیاز از هر که گردی، با او برابر خواهی شد و هر که را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی، فرمانروای او خواهی شد». ارزش سلامت اقتصادی به اقتصاد مستقل و غیر وابسته است که از شرایط حیات ملی به شمار می‌رود. نقش اقتصاد در بالندگی و رشد معنوی، فرهنگی و سیاسی کشور و ایمن کردن جامعه از خطر استکبارگران، موجب شده است که رهبر معظم انقلاب چند سال پیایی مفاهیم اقتصادی را به عنوان اصل و شالوده عملکرد مردم و مسئولین مبنا قرار دهد تا با رشد و شکوفایی اقتصادی و سیاسی دست یابیم. خداوند در قرآن کریم مسلمانان را از هر نوع وابستگی به غیر منع کرده و به استقلال سیاسی و اقتصادی دعوت می‌کند (موسوی، ۱۳۹۴، صص ۲۸-۳۰).

۳.۲.۱. اخلاق اقتصادی

در فرهنگ اسلامی، دستیابی به خواسته‌های اقتصادی و مایحتاج معیشتی باید در پرتو رعایت اخلاقیات الهی صورت پذیرد. در واقع، ضرورت تأمین نیازمندی‌های مالی و مسائل اقتصادی زندگی انسان یک اصل انکارناپذیر است. ابوذر غفاری می‌گوید: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أُحْزِزَتْ قَوَّتْهَا اطمَانت». یعنی نفس آدمی وقتی غذای زندگی خود را مهیا ببیند، آرامش می‌یابد. همچنین در حدیث آمده است: «فَلَوْلَا الْخُبْرُ مَا صَلَّيْنَا وَلَا صُمْنَا» (کلینی، ۱۲۶۳، ج ۶، ص ۲۸۷). این سخن به نوبه خود به اهمیت تأثیر فقر معیشتی در زندگی اشاره

دارد و همچنین به این حقیقت که باید جهت تأمین نیازمندی‌های خود تلاش نمود. با این حال، مسئله حل مشکل معیشتی از طریق صحیح، یعنی خدایسندانه و همچنین در سایه رعایت اخلاق معیشتی مخصوص به خود، مجاز است. زیرا آدمی آزاد نیست که از هر راهی کسب ثروت کند، پس به ناچار باید در پرتو مجوزهای اخلاق اسلامی به عملیات اقتصادی و کسب ثروت دست بزند (شفیعی مازندرانی، ۱۳۸۷، صص ۱۳-۱۴).

۱.۲.۳. کسب ثروت و پرداختن به عملیات اقتصادی در چند صورت ممدوح می‌باشد:

کسب ثروت و انجام فعالیت‌های اقتصادی از دیرباز در جوامع بشری مورد توجه بوده و به عنوان یکی از عوامل اساسی پیشرفت و توسعه اجتماعی شناخته می‌شود. در حالی که برخی افراد به دنبال ثروت‌اندوزی صرف هستند، اما در اسلام و بسیاری از فرهنگ‌ها، کسب ثروت تنها زمانی ممدوح است که با اصول اخلاقی و انسانی همراه باشد. فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند در خدمت به جامعه، ارتقاء کیفیت زندگی و تحقق عدالت اجتماعی قرار گیرند. بنابراین، بررسی راه‌های مشروع و اخلاقی کسب ثروت و تأثیر آن بر توسعه پایدار و بهبود شرایط زندگی افراد، موضوعی مهم و حیاتی است که نیاز به توجه ویژه دارد.

الف: از راه مشروع به دست آید.
ب: در چرخه تولید و خدمت به ممنوع قرار گیرد.
ج: در باب کسب ثروت و جمع آن، باید موازین اخلاقی و اسلامی را کاملاً رعایت نمود. در غیر این صورت، یعنی در موارد زیر، کسب ثروت ممدوح نخواهد بود:

۱. از راه نامشروع به دست آید.
۲. از چرخه تولید و خدمت به ممنوع خارج گشته و راکد بماند.

۳. فقط در چارچوب سودجویی و بهره‌کشی و استثمار از دیگران قرار گیرد.

مال‌اندوزی و ثروت‌اندوزی در این شرایط ممدوح نبوده و چه بسا غیر مجاز و حرام به حساب آید (شفیعی مازندرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

۳. مهمترین جلوه‌های ثروت‌اندوزی عبارتند از:

۱. تکاثر

۲. کنز

۳. احتکار^۲

تذکر: در فرهنگ اسلامی، احتکار در برابر ایثار مالی قرار دارد و از رذایل اخلاقی به حساب می‌آید، چنان‌که ایثار از فضایل اخلاقی به شمار می‌آید. دقت در دیدگاه اسلام درباره ثروت نشان می‌دهد که ثروت باید به سان خون در جریان اندام جامعه جهت حل معضلات زندگی آدمیان در جریان باشد، نه آنکه راکد بماند و از نفع رسانی به مردم باز ماند. در غیر این صورت، مایه اندوه و غم فرد جامعه خواهد بود. چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «نگه داشتن و راکت گذاشتن اموال چشمه‌سار اندوه و حزن است». بر این اساس، تکاثر، کنز و احتکار اموال و ثروت ممنوع است (شفیعی مازندرانی، همان، صص ۳۷ و ۳۸).

۳.۲. بازار تولیدات شهری در عصر ایلخانان

تولیدات و عرصه آنها یکی از مسائلی است که همواره در جوامع مختلف مورد توجه بوده است. در این مبحث به بازار و تولیدات شهری پرداخته خواهد شد.

۱. بازار

بازار فعالترین و فراگیرترین مرکز حیات شهریست که بنابر ماهیت خویش کارکردهای اقتصادی و غیر اقتصادی را توأمان انجام می‌دهد اهمیت بازار در تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران به حدی است که به ظن برخی واژه بازار و بار معنایی آن از زبان و فرهنگ ایرانی به سایر زبان‌ها راه یافته است گرچه در ساده‌ترین صورت خود بازار مکان خرید و فروش کالا بوده و در نتیجه کارکرد اقتصادی و تجاری پر رنگتری داشته است اما بازارهای شهری در ایران هیچ زمان، مکان فروش و عرضه صرف کالا نبوده و بخش مهمی از تولیدات نیز در درون آن انجام می‌گرفته است. تنوع فعالیت‌های اقتصادی در درون شهر و نیاز متقابل و مستمر فرم شهری به یکدیگر وجب می‌شد که بازار قومی عقیدتی و محلی فراتر بود (رضوی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۶).

۲. تولیدات شهری

با وجود برخی مشکلات، یکی از ویژگی‌های قابل توجه عصر ایلخانان، بهبود نسبی در زمینه صنعت و هنر است. به خصوص صنایع رفی که مورد توجه مغول‌ها بود، این موضوع نمودهای مشهوری داشت. صرفنظر از یک دوره نابسامانی و

^۲ احتکار عبارت است از انبار کردن (حبس نمودن) اجناس مورد نیاز مردم به منظور بالا رفتن نامتناسب قیمت آن، که مایه دشواری زندگی مردم و اضرار به آنهاست.

تثبیت که به دنبال تهاجم مغول‌ها به وجود آمد، توجه به صنعت آغاز گردید و با تأسیس کارخانه‌ها، موانع در این زمینه برداشته شد. تولید اسلحه یکی از صنایعی بود که توجه مستقیم مغول‌ها را به خود جلب می‌نمود. بنابراین، ماهیت نظامی حکومت ایلخانان و مشکلات مداوم آن‌ها در خطوط مرزی، تأمین تجهیزات نظامی سپاهان مغول یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت بود. از زمان چنگیز، صنعتگران ماهری که در زمینه ساخت اسلحه مهارت داشتند، مورد حمایت مغول‌ها قرار گرفتند و آن‌ها را در ویرانه‌های مخصوص به خود سکونت می‌دادند. (رضوی، همان، ص ۳۳۴)

۳. اقتصاد کلان با نگرش اسلامی
اقتصاد، از جنبه‌های مهم زندگی است و دین مبین اسلام برای تنظیم شئون این زندگی آمده است. از دیگر سو، یکی از مسائل مهمی که امروز مراکز علمی جهان اسلام با آن روبرو هستند، تنش میان برخی از دستاوردهای علوم انسانی ناشی از تفکر فلسفی غرب و ارزش‌های اسلامی است که از اختلاف برداشت از انسان و نحوه نگرش و تعریف او سرچشمه می‌گیرد. از آنجا که نظریه‌های رایج و مطرح‌شده در کتاب‌ها و مجلات اقتصادی در مجامع غیر اسلامی تکامل یافته‌اند، با ساختار جوامع اسلامی تناسب ندارند. این کتاب علاوه بر الگو سازی کلان اسلامی، ویژگی‌های متعددی را تبیین می‌کند که استقلال و تمایز اقتصاد اسلامی را نشان می‌دهد. بررسی حاضر در زمینه پول، ویژگی تقاضای پول را در اقتصاد اسلامی از نظر نقش آن برای سفته‌بازی روشن می‌سازد. نویسندگان این کتاب بر این باورند که هدف نهایی در اقتصاد اسلامی، براساس توازن میان روح و جسم، دنیا و آخرت، و فرد و جامعه است (حسینی و سید نژاد، ص ۶۳).

۴. آثار سیاسی خانواده قرآنی بر سلامت معنوی جامعه در عصر جهانی شدن

۴.۱. آزادی معنوی

آزادی معنوی یکی از ویژگی‌های اصول سیاست است. آزادی، امری در سرشت انسان است و ذاتی و نهاده شده در نهاد جان انسان‌هاست. باور بر این است که همه انسان‌ها خواستی درونی نسبت به آزادی دارند. همه ما زمانی که اجازه داشته باشیم، به دنبال آن هستیم تا آزادی و خودمختاری خویش را اظهار و اعلام کنیم. این امری است که بسیاری از مکاتب مادی و الهی به آن باور دارند، هرچند در محدوده و گستره آن با هم اختلاف‌های گسترده‌ای دارند.

ژان ژاک روسو، فیلسوف فرانسوی، در نگرش مادی خود تصریح دارد که طبیعت انسان را آزاد آفریده است. او بیان می‌کند که هنگامی که انسان وارد جامعه می‌شود، دیگران او را به بندگی می‌کشند. کسی که از آزادی صرف‌نظر کند، از مقام آدمیت و حقوق و وظایف بشریت صرف‌نظر می‌نماید و هیچ چیزی نمی‌تواند این خسارت را جبران کند. اما در نگرش قرآنی و دینی، آزادی امری در سرشت و فطرت انسان است که خداوند متعال قبل از ورود او به عرصه سیاسی و اجتماعی در نهاد او قرار داده و او را آزاد آفریده است و رها از هرگونه بندگی دیگران است. یکی از واقعیت‌های تلخ تاریخی آن است که در اغلب اوقات، دولت‌ها مانع آزادی سیاسی در جامعه بوده‌اند. اصلی‌ترین دلیل این امر، این است که دولتمردان پنداشته‌اند آزادی مانع حفظ قدرت آنان می‌شود و سیطره آنان را فرومی‌کاهد (باقری، ۱۳۹۹، ص ۲۳۳).

در قرآن کریم آیه‌ای هست که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً؛ ای مسلمانان، از هر حیث مسلمان باشید» (بقره/۲۰۸). به اقتدای این آیه می‌گویم ای ایرانی‌ها، از هر حیث ایرانی باشید؛ از حیث زبان، از حیث لباس و از حیث آداب و رسوم یکی شوید تا دیگر دست سیاست نتواند درزهایی در میان شما پیدا کند و آن درز را وسیله تفرقه و جدایی و انفکاک وحدت شما قرار دهد. حادثه آذربایجان و قیام مشتش مهاجر، ماجراجو و جاسوس و تراشیدن یک ملت موهوم در آنجا و بهانه قرار دادن آن برای تجزیه آن قطعه عزیز، تجربه تلخی بود که باید از آن عبرت بگیریم (فرامرزی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۶).

۴.۲. اهداف بعث پیامبران

بزرگترین حادثه تاریخ بشریت، بعثت پیامبران خدا بوده است. پیامبران الهی برای اصلاح سه عضو از وجود انسان فرستاده شدند؛ زیرا بیشک سعادت دنیا و آخرت انسان و خرابی دنیا و آخرت او در سلامت و فساد این سه عضو است: عقل، نفس و قلب.

۴.۲.۱. اصلاح عقل

هدف اول نبوت، رشد و تفکر انسان و قرار دادن اندیشه او در مسیر صحیح است. انسان می‌تواند در سایه نبوت از نظر فکری برسد که فقط فکر خیر و اندیشه پاک داشته باشد و در مغز او تنها صلاح و پاکی موج بزند. در هر دانشی که به روی فکر بشر باز کنند، این تابلوی ارزنده از رسول گرامی اسلام برای ما باقی مانده است که فرموده‌اند:

« اَطْلُبُ الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ؛ زگهواره تا گور دانش بجوی» (طوسی، ۱۴۱۶، ص ۱۱۲). یعنی مسیر گهواره تا گور برای انسان، مسیر دانش‌آموختن و از گور به بعد زمان برداشت محصول این دانش است.

۲.۲.۴. اصلاح قلب

هدف دوم نبوت و بعثت انبیا، اصلاح قلب مردم بوده است. ممکن است مردم از عقل خود بهره‌مند شوند، اما قلبشان نپذیرد. اگر عقل درستی در وجود انسان نباشد و قلب با واقعیت الهی کنترل نشود، علم در دست انسان چنان خنجر تیزی خواهد بود که هر کسی را با آن از پشت هدف قرار می‌دهد. از این رو، نبوت تنها بر علم تکیه ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا يَعْزِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ؛ جز اهل معرفت، دانش در آنها تعقل نمی‌کنند» (عنکبوت: آیه ۴۳). یکی از عقل‌های پر قدرتی که ضررش از حیوانات شرور نیز برای بشر بیشتر بوده، در سوره اعراف به مردم معرفی شده است. قرآن از بلعم باعورا، دانشمند معروف بنی‌اسرائیل که قلب خود را کنترل نمی‌کرد، به سگ تعبیر کرده است: «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ؛ پس داستان‌ش چون داستان سگ است که اگر به او هجوم بری، زبان از کام بیرون می‌آورد و اگر به حال خودش واگذاری، باز هم زبان از کام بیرون می‌آورد» (اعراف: آیه ۱۷۶). (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۲۵۸)

۳.۴. نظر حضرت علی علیه السلام در مورد آینده مردم و هدف زندگی آنان

آینده بسیار وخیم و خطرناک به نظر می‌آید و آنچه را که در پیش داریم از وضع کنونی و وحشتناکتر است. این خطابه «اتقوا الله» را شجاع‌ترین پیشوایان جهان، حضرت علی علیه السلام، زمانی ایراد فرمود که امپراطوری وسیع اسلام دستخوش امواج سهمگین آشوب و فتنه بوده است. حضرت، مردم را به چهار دسته تقسیم کرده است که در این مقاله به ذکر دو نمونه اکتفا می‌شود.

۱. اشرار

آنهایی که در مقابل عفریت آز و شهوت برای اولین دفعه به زانو درآمده و به آسانی تسلیم هوس و دلخواه خود می‌شوند. این طایفه به خداوند متعال و دین ما به وجدان و شرافت، خلاصه به هیچ چیز پایبند نیستند. غالباً در خانواده‌های پست و آلوده‌تر تربیت می‌شوند. و اگر هم به ظاهر کاخ نشین و توانگر باشند در حقیقت بسیار پست و نانجیبند. عمر این دسته به عمر انقلاب و آشوب بسته است یعنی همین که جامعه حیات نوینی به خود گیرد و غبار

شورش و غوغا فرو نشیند . هرچه زودتر دست انتقام گلوی آنها را فشرده رشته زندگی‌شان را به طناب اعدام متصل می‌سازد .

این جماعت بسیار خودپسند و متکبرند و به قدری بر شئون خانوادگی و موقعیت شخصی خود احترام می‌گذارند که تعدی و تهاجم را برای خود ننگ دانسته به منظور حفظ آبرو و حیثیت مدهوم شرارت و درندگی خود را مانند زنجیر می‌کشند .

بسیار مایلند که مانند دیگران بر مردم تافته تشنگی هوس خود را با خون و ناموس جامعه سیرآب سازند . ولی مقام خانوادگی به آنها اجازه نمی‌دهد که قدمی از حدود خود تجاوز نموده دامن شرافت و آبروی قوم را لکه‌دار و ننگین کنند بنابراین فراموش نشود اگر روزی مقررات اجتماعی پرده اوهام را از پیش چشم آنها دریده قیود خودخواهی را پاره کند و این گرگان میش منظر را از آنجایی که فاقد فضیلت و اخلاق هستند و نیز به ناموس و وجدان و دین و اخلاق حرمت نمی‌گذارند و به بینوایان محیط خود حمله ور می‌شوند (فاضلی، ۱۳۷۵، ۱۴۰) .

۲. پرهیزگاران

پرهیزگاران و بندگان ناب و ویژه خداوند، آنها هستند که در همه حال پروردگار خود را به خاطر داشته و یک لحظه از آیین انسانیت و مقررات دین غفلت نکرده‌اند . این سربازان فداکار، همه مردان سپاهی و قعقه سلاح دشمن را به هراس نمی‌اندازند . حملات سنگین مرگ در برابر روح فعالشان بس ناچیز و کوچک است . این‌ها به کوه‌های بلند و استوار شبیه‌اند که طوفان حوادث را مانند نسیم ملایمی به سینه پذیرفته و بر هیولای جنگ جدال لبخند می‌زنند . همین مردم که در صف معرکه، مانند قهرمان، انبوه سپاه دشمن را در هم می‌شکنند، با پرچم مجد و افتخارشان همواره با احترام و عظمت در اهتزاز است . فقط در مقابل یک چیز سر تسلیم فرود آورده و به زانو درمی‌آیند و آن خداست، خدا! آری، این جماعت جز از خدای متعال از هیچ کس و اندیشه‌ای ندارند و آن دلهای سنگین و زره‌پوش در برابر ملکوت الهی و ندای وجدان به سختی لرزیده و خدابین و عفیف ایشان تنها به حال بیچارگان و ستمدیدگان غرق اشک می‌شود! (فاضل، همان، ص ۱۴۱) .

۳. حکومت اسلامی و اخلاق حاکمان و مردم

در اسلام، سیاست بخشی از دین و ضامن اجرای آن در جامعه است . از این رو، بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی در روایات امامان معصوم علیهم السلام، از جمله در صحیفه سجادیه،

تأکید فراوان شده است. در این مقاله به ذکر دو نمونه از اخلاق حاکمان و مردم پرداخته شده است.

الف. ویژگی‌های اخلاقی حاکمان با مردم

۱. **ایجاد وحدت بین مردم:** یکی از ویژگی‌های حاکم اسلامی، ایجاد وحدت بین انواع گروه‌های اقوام و مذاهب است. یا در سطح کوچکتر، ایجاد وحدت بین افراد روستا یا شهر یا مجموعه زیر نظر حاکم است. این امر پیامدهای مثبت و گسترده‌ای در انجام بهتر کارها و قطع طمع دشمنان از آن جامعه دارد. اجرای این امر به شرح صدر نیاز دارد؛ زیرا چنین کسی باید با ظرفیت بالایی در ایجاد وحدت بین افراد و گروه‌های مختلف که گاه روابط تیره‌ای نیز بین آنان برقرار بوده است، تلاش کند. امام سجاد علیه السلام در ترسیم حکومت حضرت مهدی (عجل الله) این امر را یکی از ویژگی‌های آن حکومت می‌شمارد: «اللَّهُمَّ اَلْمُمُّ بِهِ شَعْنُنَا وَاشْغَبْ بِهِ صَدْعُنَا وَارْثُقْ بِهِ فَتَقُنَا؛ خدایا به وسیله او تفرقه ما را به یکی شدن تبدیل کن و اختلاف و شکاف میان ما را از بین ببر و به وسیله او پراکندگی ما را به ارتباط و پیوند تبدیل کن» (فرازی از دعای افتتاح).

۲. **تواضع:** تواضع به‌ویژه برای افرادی که در موقعیت‌های قدرت قرار دارند، ویژگی‌ای شایسته و زیبا به شمار می‌آید. اما برای دستیابی به این خصیصه، فرد حاکم نیازمند شرح صدر و ظرفیت روحی بالایی است تا بتواند با تواضع و فروتنی در برابر زبردستان و مردم رهبری کند و از هرگونه فخر و تکبر دوری گزیند. افرادی که به مقام و منصب می‌رسند، گاهی به دلیل قدرتی که دارند، به فخر فروشی و خود بزرگبینی مبتلا می‌شوند؛ در حالی که باید با روحیه‌ای متواضعانه با مردم تعامل نمایند. فخر و کبر از بدترین صفات به شمار می‌روند، چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «پس از پست‌ترین حالات زمامداران نزد صالحان این است که گمان بردند حاکمان دوستدار ستایشند و حکومت آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد» (حقوق‌شناس، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

عالمان اخلاق تواضع را به معنای ناچیز شمردن نفس تعریف کرده‌اند. در برابر خداوند متعال، تواضع به معنای اطاعت از اوامر و در برابر مردم، به معنای رفتار فروتنانه و رعایت انصاف است. خواجه نصیرالدین طوسی می‌نویسد: «تواضع آن بود که خود را مزیتی نشمارد و بر کسانی که در جاه از او نازل‌تر باشند». همچنین، عزالدین محمود کاشی به تواضع به عنوان وضع نفس در مقام عبودیت و انصاف اشاره کرده و می‌نویسد: «در قسم اول، انقیاد

اوامر و نواهی است و در قسم دوم، وضع نفس در مقام انصاف با خلق است؛ این یا به قبول حق است یا به رعایت حقوق، یا به ترک ترفیع و توقع حکم». بنابراین، تواضع در مقامات مختلف معانی متفاوتی دارد؛ تواضع در برابر خداوند و اطاعت از او، و تواضع در برابر مردم. اما در تمامی این موارد، مفهوم اصلی افتادگی و فروتنی نهفته است. فرد متواضع به هیچ وجه خود را از دیگران برتر نمی‌داند و نمی‌تواند صاحب هنر، دانش و دانایی، خود را در آن زمینه از فردی که هیچ‌گونه دانشی ندارد، برتر ببیند. به عبارتی، تواضع به معنای عدم فخر به علم، مال، جاه، زهد و تقوی، قدرت، زیبایی فرزندان، قوم و قبیله و نهایتاً رنگ و نژاد است (سلیمانی، ۱۳۸۵، صص ۳۴ و ۳۵).

ب. ویژگی‌های اخلاق مردم با حاکمان

همان‌گونه که مردم نزد حاکمان حقی دارند و حاکمان دارای وظایفی هستند، حاکمان نیز از حقوقی نزد مردم برخوردارند و مردم در برابر آنها وظایفی دارند.

۱. اطاعت‌پذیری: وقتی حاکم جامعه مسلمانی عادل باشد، بر مردم است که برای عدالت و رشد جامعه از این حاکم اطاعت و پیروی کنند. اطاعت از حاکم «موضوعی است که مختص جامعه و نظام اسلامی نیست. بقای هر حکومتی و اصلاح امور هر جامعه‌ای بدون اطاعت مردم از حاکم امکان‌پذیر نیست. پایه نظم و امنیت، جریان صحیح امور و ایجاد شرایط مناسب برای تأمین حقوق و مصالح مردم بر اساس قانون استوار است. قانون، تا زمانی که به اجرا درنیاید و همگان به آن پایبند نباشند، صرفاً با وضع و تصویب آن، اثری نخواهد داشت.

در جامعه اسلامی، منظور ما از قوانین، شامل احکام دینی و احکام حکومتی است. زیرا علاوه بر قوانین شرعی که حاکم تنها می‌تواند آن‌ها را بیان کند و مجاز به هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن‌ها نیست، دسته دیگری از قوانین نیز وجود دارد که شامل دستورهای حکومتی حاکم در شرایط مختلف می‌شود. در این بحث، اطاعت از حاکم در هر دو عرصه مدنظر است.

در جامعه اسلامی که به معنای دقیق کلمه، جامعه‌ای بر اساس «حاکمیت قانون» است، نه تنها عموم مردم ملزم به پیروی از قوانین هستند، بلکه حاکمان جامعه نیز به پیروی از قانون سزاوارترند. بی‌توجهی آنان به قوانینی که خود مروج و مجری آن‌ها هستند، می‌تواند باعث شکسته شدن حرمت قانون و بی‌اعتنایی دیگران به آن گردد. مجریان

قانون، در درجه نخست، باید خود به قانون ملتزم باشند تا بتوانند دیگران را به اجرای آن تشویق و ترغیب کنند. وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام نیز که خود مبلغ احکام الهی و واسطه وحی بود، مجاز به تخلف از قوانین الهی نبود.

۲. یاری حاکمان: بازوی قدرت حاکمان، مردم و همه افراد جامعه اند و بدون کمک آنان، پیشرفت جامعه امکان پذیر نیست. اگر هر کس در هر جامعه ای که به او واگذار می شود، نهایت دقت و تلاش مسئولیت پذیری داشته باشد، جامعه به رشد و تعالی می رسد. چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با تلاش فراوان یاران خود، جامعه اسلامی را تشکیل و آن را رشد داد. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «بار خدایا، یاران حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به ویژه آنان که همراه بودند با آن حضرت را نیکو به پایان بردند و آنان که در یاریش دلیری کردند و به یاری او برخاستند، جزا و پاداش بسیار عطا فرما».

۵. شاخصه های قرآنی توسعه فرهنگی

۵.۱. امنیت آموزه های قرآنی

در آموزه های قرآنی، مسئله امنیت شخصی و اجتماعی به عنوان مهم ترین وظیفه هر دولتی بیان شده است. از نگاه قرآن کریم، مفهوم امنیت بر پایه رویکرد هدایتی قرآن و در پیوند با بخشی از مفاهیم دینی است. از نظر قرآن، جان، مال و آبروی انسان ها محترم است (انعام: آیه ۱۵۱/ مائده، آیه ۳۸/ نور، آیه ۵۹). از مجموعه آیات و آموزه های قرآنی می توان دریافت که در بینش و نگرش قرآن کریم، امنیت شخصی در حوزه فردی و اجتماعی از اهمیت جایگاه ویژه ای برخوردار است و هیچ یک از اشخاص، گروه ها و نهادهای دولتی نمی توانند متعرض حقوق شخصی و امنیت فردی افراد جامعه شوند.

۵.۲. تساوی در قرآن

در آموزه های قرآنی، همگان در برابر قانون یکسان هستند، به گونه ای که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در برابر قانون همانند دیگران می باشد (اسحاقی، ۱۳۹۳، ص ۳۶).

سرباز تربیت یافته در دامن مکتب قرآن، زمانی که به میدان مبارزه قدم می گذارد، به خاطر اغراض شخصی و هوس های نفسانی نمی جنگد و دشمن را برای دستیابی به مال و ثروت او نمی کشد. انگیزه او از جنگیدن، خودنمایی یا

کسب شهرت و مباحثات نیست و به‌طور کلی، برای دنیایش جهاد نمی‌کند. او خود را از هرگونه تعلق آزاد ساخته و بزرگوارتر از آن می‌داند که برای رسیدن به هوسبازی‌های دنیوی با دشمن خدا روبه‌رو شود. تعلیم و تربیت مکتب قرآن بر روحیه این سرباز تأثیر می‌گذارد و او را به این درک می‌رساند که باید وجود معنوی‌اش را بر وجود طبیعی‌اش مقدم بدارد. او آموخته است که برای خدا جهاد کند، زیرا تقدس جهاد زمانی است که در راه خدا صورت گیرد؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ؛ در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برمی‌خیزند، جهاد کنید» (بقره: ۱۹۰).

ارزش هر کاری به هدفی که برای آن تعیین شده، بستگی دارد. از منظر اسلام، مقام دنیا در مقابل مقام آخرت هیچ ارزشی ندارد و فانی است. لذا جهاد برای خواسته‌های دنیوی تقدسی ندارد. اما طلب دنیا به معنای دستیابی به مقام والای انسانی که در پرتو خداجویی حاصل می‌شود، به جهاد ارزش عالی می‌بخشد. این نگرش به جهاد، سرباز را به سوی اهدافی متعالی و معنوی سوق می‌دهد و او را از هدفهای مادی دور می‌سازد (امین زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۵۸).

۵.۳. آموزش

به صراحت می‌توان مدعی شد که یکی از اهداف رسالت پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) تعلیم و آموزش بوده است. در آیاتی چند به مسئله تعلیم و آموزش پرداخته شده و امتحان امت را امتحانی از سوی خداوند متعال دانسته‌اند که می‌توان به آیه دوم سوره جمعه اشاره کرد.

سیاست زمانی پایدار و قدرتمند می‌شود که با تعلیم و تربیت هماهنگ باشد، زیرا تربیت، خط و روش سیاست را تعیین می‌کند. سیاست با رشد تربیت رشد می‌یابد و مستحکم می‌شود، و در صورت ضعف تربیت، به سوی نابودی می‌رود. در یک جامعه فاسد که مردم آن قید و بندهای انسانی ندارند، خواستار حکومتی می‌شوند که وسایل عیاشی و شهوانی آن‌ها را تأمین کند. هرچه فساد در جامعه افزایش یابد، آن حکومت مستحکم‌تر و استوارتر می‌شود و به نوبه خود به اشاعه فحشا می‌پردازد و حافظ بی‌نظمی می‌گردد. اما اگر روزی مردم تصمیم بگیرند که صالح باشند و معنویت را بر خود حاکم سازند و از فرمان حکومت سرپیچی کنند، پایه‌های حکومت رو به ضعف می‌گذارد تا جایی که با قیام ملت متلاشی می‌شود و حکومت معنوی جایگزین آن خواهد شد.

این روند در مورد مردمی که در جامعه‌ای پایبند به معنویت و حقیقت هستند و آن را به دست حکومتی می‌سپارند که

افراد با تقوا و پاک در رأس آن قرار دارند، نیز صادق است. تا زمانی که مردم صالح و پاک باشند و ناظر بر حکومت و زمامداران خود باشند، حکومت از مسیر مستقیم منحرف نخواهد شد. به این ترتیب، با توجه به این رویه، حکومت نیز به ترویج مسائل انسانی پرداخته و زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و فعلیت قوای معنوی و انسانی را فراهم می‌آورد (امین زاده، ۱۳۷۶، صص ۲۵۸ و ۲۵۹).

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد که رشد و استحکام هر جامعه و حکومتی و عدم زوال آن‌ها در هر کشور و سرزمینی، وابسته به تعلیم و تربیت اسلامی الهی افرادی است که از کودکی در دامن خانواده‌های متدین و مزین به اخلاق الهی پرورش یافته‌اند. در واقع، جامعه‌ای پایدار خواهد ماند که سعادت دنیا و آخرت را از اساس در نظر داشته باشد؛ در غیر این صورت، به سوی زوال و نابودی سوق خواهد یافت و از خیر دنیا و آخرت محروم خواهد شد. بنابراین، می‌توان گفت که مسئله امنیت فردی و اجتماعی، مساوی بودن همه انسان‌ها در برابر قانون دین اسلام و تعلیم و آموزش‌های دینی، از مهم‌ترین وظایف دولت و نظام جمهوری اسلامی است. سیاست و تربیت لازم و ملزوم یکدیگرند و نوع تربیت در یک جامعه، تعیین‌کننده نوع سیاست آن جامعه است. هر حکومتی ناچار است که نوعی تربیت و سیاست داشته باشد. به طوری که اگر بخواهیم از کم و کیف یک حکومت آگاه شویم، باید به قوانین تربیتی آن حکومت توجه کنیم.

اسلام نیز که به وجود آورنده حکومت است، از این قانون مستثنی نیست و آنچه زمینه‌ساز حکومت اسلامی می‌باشد، تربیت صحیح است و حکومت ما به نوبه خود حافظ و گسترش‌دهنده آن است. عمل پیامبران الهی (علیهم السلام) گواه این حقیقت است. پیامبر اسلام (صلی الله و علیه و آله وسلم) پس از تربیت افرادی معتقد در جامعه مکه و ایجاد زمینه برای حکومت اسلامی، موفق به تشکیل حکومت اسلامی در مدینه شد و در پرتو همین حکومت، قوانین تربیتی اسلام و هدایت توحیدی، سراسر جزیره العرب آن روز را فراگرفت. اگرچه گرفتاری‌ها و رحلت آن حضرت موجب شد تا همه مردم به گونه‌ای که خواست آن حضرت بود، تربیت نشوند، اما تربیت اسلامی در جهت تهذیب نفس و رشد تقوا و ورع بوده و همین نوع تربیت پایه‌گذار حکومت و سیاست اسلامی قرار گرفته است (امین زاده، همان، ص ۲۵۷).

نتیجه گیری

خانواده سالم، معنوی و تعلیم‌یافته از منابع دین مقدس اسلام، عاملی مؤثر در ایجاد جامعه‌ای سالم و پیشرفته در همه ابعاد زندگی انسان می‌باشد. به همین دلیل، خداوند متعال در قرآن کریم برای تمام دوره‌ها و ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در زندگی انسان آموزه‌های تربیتی خاصی ارائه کرده است.

بی‌شک، ویژگی‌های معنوی خانواده از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذاشته است، آغاز شده است، زیرا خداوند متعال از زمانی که حضرت آدم علیه السلام را آفرید و او را در بهشت ساکن ساخت، مسائل تربیتی و معنوی را با اوامر و نواهی به او آموخت.

در این مقاله که برای گردآوری مطالب آن از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده است، سعی شده است تا ویژگی‌های خانواده قرآنی که دارای سلامت معنوی هستند و تأثیر معنوی بودن آن‌ها در عصر جهانی شدن در تمام عرصه‌های دینی و زندگی، از جمله عرصه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را نشان دهد، بیان گردد.

عوامل پیدایش فرهنگ و تمدن اسلامی، تأثیر نعمت‌های معنوی از جمله عقل، قرآن، نبوت، امامت و عالم ربانی، و مجموعه آثاری که از این منابع به صورت یک سلسله مسائل اعتقادی، عملی و اخلاقی ظهور می‌یابد، عفت و پاکدامنی در تربیت دینی فرزندان نقش بسزایی دارند و موجب رشد و تعالی جامعه می‌شوند. عدم توجه به اصول تربیتی فرزندان از سوی والدین، آثار زیانبار آن نه تنها به خانواده، بلکه به محیط جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آزادی معنوی یکی از ویژگی‌های اصول سیاست است و در نگرش قرآن و دین، آزادی امری است در سرشت و فطرت انسان که خداوند متعال قبل از ورود او به عرصه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نهاد او قرار داده است و او را آزاد و رها از هرگونه بندگی دیگران ساخته است. در اسلام، سیاست بخشی از دین و ضامن اجرای آن در جامعه است.

فرهنگ‌سازی پیامبران در ابعاد مختلف، از جمله بعد اقتصادی، مقدمه‌ای در راستای تحقق شناخت خداوند متعال و نزدیک شدن به او و برقراری عدل و قسط در جامعه می‌باشد. از این رو، تربیت صحیح فرزندان بر مبنای آیات و روایات اسلامی و معنوی شدن آن‌ها و انتقال این تربیت به تمام ابعاد زندگی، از جمله بعد سیاسی، فرهنگی و

اقتصادی جامعه، موجب پیشرفت و تعالی جامعه شده و از همه مهم‌تر، موجب خوشنودی خدای متعال خواهد بود.

منابع

*قرآن کریم

۱. اسحاقی، حسین، نقش فرهنگ در مقاوم سازی اقتصاد، چاپ اول، مرکز نشر هاجر وابسته به حوزه های علمیه خواهران، ۱۳۹۳.
۲. امین زاده، محمدرضا، فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، موسسه در راه حق، ۱۳۷۶.
۳. انصاریان، حسین، اندیشه در اسلام، قم، دار العرفان، ۱۳۸۴.
۴. _____، نظام خانواده در اسلام، چاپ نهم، قم، ام ابیها (س)، ۱۳۸۰.
۵. بهجت پور، عبدالکریم، روش فرهنگ سازی پاک دامن در قرآن، چاپ اول، مرکز نشر هاجر زمستان، ۱۳۹۸.
۶. حسینی هرنیدی، سیدمحمد حسین، سید نژاد، میرصادق، کتاب شناسی جهاد اقتصادی، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما، ۱۳۹۰.
۷. حق شناس، حمیدرضا، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه، ناشر: دفتر عقل، چاپ ذلال کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۸. دانشمند، مهدی، تربیت خانواده و سبک زندگی اسلامی، ج ۱، بیجا، بی نا، ۱۴۰۰.
۹. رضوی، ابوالفضل، شهر سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانیان، چاپ سوم، امیر کبیر، ۱۳۹۸.
۱۰. سخنان حضرت علی از نهج البلاغه، مترجم: فاضل، جواد، با اهتمام حسن السادات، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۵.
۱۱. سلیمانی، امرالله، سیمای مخبّتین در قرآن و روایات، قم، زائر، ۱۳۸۵.
۱۲. سید باقری، سید کاظم، آزادی سیاسی از منظر قرآن کریم، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹.
۱۳. شفیعی مازندرانی، محمد، اقتصاد خانواده، اخلاق معیشتی در قرآن و سنت، چاپ اول، مسجد جمکران، ۱۳۸۸.
۱۴. فرامرزی حسن و فرامرزی عبدالرحمن، مقالات سیاسی، چاپ اول، دستان، ۱۳۸۷.
۱۵. قریشی، باقر شریف، نظام خانواده در اسلام، مترجم: لطیف راشدی، چاپ دوم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۱۶. کاشفی، محمد رضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ هفتم، مرکز بین المللی و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۶.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۱۸. محدثی، جواد، تربیت دینی فرزندان، مشهد، انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
۱۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، نوبت چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۶.
۲۰. موسوی، ماندانا، سرمه سعادت، منشور اصطلاحات اقتصادی انبیا (ع)، چاپ دوم، مرکز نشر هاجر وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، ۱۳۹۴.
۲۱. نحوی، سیف الله، نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات، چاپ اول، نورالسجاد، ۱۳۸۸.
۲۲. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، آداب المتعلمین، محقق، حسینی جلالی، سید محمدرضا، چاپ اول، شیراز، کتابخانه مدرسه علمیه امام عصر (عج)، ۱۴۱۶.